



## دعای روز بیست و یکم ماه مبارک رمضان

بسم الله الرحمن الرحيم اجعل لی فیہ الی مرضاتک دلیلاً ولا تجعل للشیطان فیہ علی سبیلاً  
واجعل الجنة لی منزلاً ومقیلاً یا قاضی حوائج الطالبین.

خدایا قرار بده برایم در آن به سوی خوشنودی هایت راهنمایی و قرار مده شیطان را در آن بر من راهی و قرار بده بهشت را برایم منزل و آسایشگاه ای برآورنده حاجتهای جویندگان

## رسیدن به کمال

تمثیلی درباره به کمال رسیدن ادیان با ظهور اسلام دوره ی خاتمیت، نسبت به دوره های گذشته، نظیر دوره ی نهایی و تخصصی است نسبت به دوره های ابتدایی یعنی، دوره ی صاحب نظر شدن بشر است. دانش آموز در دوره ی دبستان و دبیرستان فقط به او می گویند و او یاد می گیرد، ولی وقتی که به دوره ی دانشگاه رسیده طی کردن دوره ی تخصصی یعنی، دوره فوق لیسانس و دکترا پرداخت، اینجا دیگر دوره ی صاحب نظر شدن است، دوره ی اجتهاد در فن مربوطه است. دوره ی دین خاتم برای بشر از نظر کلی - نه ملاحظه یک فرد بخصوص نسبت به فرد دیگر - دوره ی صاحب نظر شدن است

(اثنایی با قرآن، ج ۲، ص ۲۳۷. تمثیلات و تشبیهات مطهری ص ۱۰۰)

## شب قدر

مناجات با خدادر شب قدر  
بده، پیمانه سرشار امشب  
مرا بستان زمن، ای یار امشب  
ندارم طاقت بار جدائی  
مرا از دوش من، بردار امشب  
نقاب من، ز روی خویش برگیر  
بر افکن پرده از اسرار امشب  
شب قدر و ملائک، جمله حاضر  
مهل ساقی، مرا هشیار امشب

## تفسیر دعای روزانه

در دعای توسل ۱۴ حجت خدا را قسم می دهیم و از آنان استمداد میجویم. انمه هدی چراغ راه بشریند و دلیل و راهنمای همه. در دعای امروز از خدای خویش می خواهیم راهنمایی برای کسب رضایت در پیش راهنمان قرار دهد. خداوندی که چه گونه بودن و تلاش برای الهی شدن انسان را از او خواسته، «راه» وصال و «راهنما» را هم مشخص کرده است.

صحبتها و راهنمایان الهی آشکار و نهانند. خداوند عقلی در نهاد بشر قرار دهد تا نیک و بد را بشناسد. انبیاء افراتر از اندیشه بشری به جمع انسانها فرستاده تا راه آسمانها را بنمایانند.

اولیای الهی نیز در این راه به مدد آدمی می آیند تا در جایی اگر پای خرد در گل و سواس و تحیر مانده، دست عقل را بگیرند و او را به راه درست و صراط المستقیم هدایت باز آرند.

قرآن نیز راهنمای دیگری است از سوی خداوند و منشوری برای هدایت بشر اما نمی توان بی همراهی خضر این مرحله را طی کرد و باید از خطر گمراهی ترسید! زیارت جامعه کبیره، انمه هدی را مشعل هدایت و نشان های تقوا میخواند... اکنون که در این روزها از خداوند راهنما میطلبیم خوب است آستی دوباره ای با این حجج ظاهری و باطنی داشته باشیم و به ریسمان لطفشان چنگ اندازیم تا با مدد این کشتی های نجات از غرقاب گناه و هستی مادی خود را برهانیم.







## حدیث

حضرت علی (ع)

شیطان راههای خود را برای شما آسان می کند و از این کار قصدش آن است که پیوندهای دینی ضمیرتان را گره گره بگشاید؛ جماعت شما را به پراکندگی مبدل سازد و با تفرقه افکنی ایجاد فتنه و فساد نماید.  
نهج البلاغه، ص ۱۷۷

## استقنات

دیدن عکس دوران کودکی زنان نامحرم چه حکمی دارد؟  
همه مراجع (بجز آیت ا... سیستانی):  
اگر نگاه به آن باعث هتک وی و تحریک شهوت نشود اشکال ندارد.

## دل نوشته می ماه مبارک رمضان

دلت را بتکان غصه هایت که ریخت، توهم همه را فراموش کن دلت را بتکان... اشتباهایت وقتی افتاد روی زمین بگذار همانجا بماند... فقط از لا به لای اشتباه هایت، یک تجربه را بیرون بکش قاب کن و بزنی به دیوار دلت دلت را محکمتر اگر بتکانی تمام کینه هایت هم می ریزد و تمام آن غصه های بزرگ... همه حسرت ها و آرزوهای... باز هم محکمتر از قبل بتکان... تا این بار همه آن بی معرفتی ها هم بیفتند... حالا آرام تر، آرام تر بتکان تا خاطره هایت نیفتد تلخ یا شیرین، چه تفاوت می کند؟ خاطره، خاطره است... باید باشد، باید بماند... کافیهست؟ نه، هنوز دلت خاک دارد... یک تکان دیگر بس است... تکاندی؟ دلت را بین... چقدر تمیز شد... دلت سبک شد؟ حالا این دل جای اوست دعوتش کن... این دل مال اوست... همه چیز ریخت از دلت، همه چیز افتاد و حالا... حالا تو ماندی و یک دل... یک دل و یک قاب تجربه... یک قاب تجربه و مشتی خاطره... مشتی خاطره و یک او...

## صحیفه سجاده

خدایا مرزهای مسلمانان را به عزت پاس دار و نگهبانان مرزها را به قوت تایید کن و بر شمار آنان بیفزای جوانب جبهه ی آنان را نفوذ ناپذیر گردان.

## حکایت

روزی امام کاظم علیه السلام از کوچه ای در بغداد عبور می کرد به خانه ای رسید که صدای ساز و آواز و پای کوبی از آن به گوش می رسید و نشان می داد که اهل این خانه در ناز و نعمت و هوا و هوس و خوش گذرانی غرقند.  
در این هنگام کنیزی برای ریختن خاکروبه از خانه بیرون آمد. امام کاظم علیه السلام از او پرسید: آیا صاحب این خانه آزاد است یا بنده؟ کنیز پاسخ داد: آزاد است. امام علیه السلام فرمود: راست گفتی، اگر بنده بود از مولای خویش پروا می کرد. کنیز به درون خانه برگشت. بشر (صاحب خانه) از او پرسید: چرا در ریختن خاکروبه تأخیر داشتی؟ کنیز جریان گفتگو با مرد غریب - امام کاظم علیه السلام - را برای او شرح داد. پیام امام علیه السلام، بشر را به خود آورد و او را از خواب غفلت بیدار کرد و چنان تأثیری در جان او نهاد که بی اختیار از جابر خاست و بدون این که لباس و کفش خود را بپوشد در پی امام علیه السلام به راه افتاد و شتابان خود را به ایشان رساند و از امام علیه السلام خواست که آن کلمات دلنشین را دوباره برای او بیان کند. امام علیه السلام سخنانی چند درباره دوری از گناه و رها کردن مظاهر فریبنده دنیا و دنیا پرستی و نیز توجه به معنویات و عبادات با او گفت. بیانات امام، آبی سرد بر آهنگر گداخته بشر بود، جان او را تکان داد و تغییری در وی به وجود آورد. به طوری که در محضر امام علیه السلام اظهار شرمندگی کرده و به دست آن حضرت توبه نمود و از آن زمان، به سلک عارفان پیوست و دنیا پرستی را رها کرد و به بشر «حافی» (پابرهنه) معروف شد؛ زیرا هنگامی که به دنبال امام دوید و به دست امام هدایت یافت، پابرهنه بود و از آن پس تا آخر عمرش پابرهنه ماند.

